

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: تی پری میسان
برگردان از: حمید محوی
۰۲ مارچ ۲۰۱۴

مسکو نقش ها را در کییف واژگون می سازد

در حالی که رهبران ناتو از کودتا در کییف از شادی در پوست خود نمی گنجند، و آن را به عنوان انقلاب دیگری به افکار عمومی معرفی می کنند، ولی وضعیت در محل واژگون شده است. از این پس مأموران ایالات متحده می بایستی به جای دولتی اوباش سالار که فروش به ضرب چکش - بهای بیشتر - را بین واشینگتن و مسکو به دست گرفته، با اعمال قدرت اغتشاشی را که خودشان سازماندهی کرده بودند، مدیریت کنند. در نتیجه، کشور ویران شده و هیچ کس نمی تواند فوراً آن را سروسامان بدهد. اکنون روسیه می تواند از منافع خود دفاع کند بی آن که مجبور باشد مسؤولیت انفعال بیست سال بزهکاری در گذشته را به عهده گیرد.



روسیه طی بازی های المپیک ساچی(۱) در مقابل رویدادهای اوکرائین واکنشی نشان نداد. تشریفات روسی دائماً به شرح پیروزی های ورزشکاران اختصاص داشت، در حالی که در کییف و در مراکز استان های اوکرائین زد و خورد جریان داشت. کرملین بیم آن را داشت که در هر لحظه دشمنان روسیه ممکن است جشن ورزشی شان را به حمام خون تبدیل کنند.

همانگونه که پیشبینی شده بود، طی بازی های المپیک ساچی و بیمی که از این ناحیه برای روسیه وجود داشت، در کیف قدرت دست به دست شد. غربی ها که به شکل گسترده در پوشش تحریف خبری به سر می بردند، تصور کردند که گوئی انقلابی توسط طرفداران اروپا تحقق یافته است. با این وجود، افشای گفت وگوی تلفنی بین معاون وزیر امور خارجه ایالات متحده، ویکتوریا نولاند و سفیر ایالات متحده، جوفری پیات هیچ تردیدی بر جا نمی گذارد که موضوع کاملاً یک توطئه امریکائی است (۲). به ضرب تصاویر دروغین، یک دولت اوباش و بزهکار (۳) به جای یک باند شکنجه گر طرفدار روسیه را به نمایش گذاشتند (۴). مثل تمام «انقلاب های رنگی» تیراندازان ماهر اسرارآمیز از پشت بامها همزمان به روی جمعیت و پولیس شلیک کرده اند، و متعاقباً دولت به عنوان مسؤول اصلی رویدادهای خونبار متهم شده است. در اغتشاش، غربی ها تصور کردند که مردم کاخ های ملی را به تصرف خود درآورده اند. در واقع، طی مدتی که فعالانی که اکثراً به تمایلات نازی تعلق داشتند در میدان مایدان مستقیماً روی شبکه های تلویزیون بین المللی در حال مبارزه بودند، سیاستمداران کاخ های ملی را در بخش دیگر شهر اشغال می کردند. از این دیدگاه اروپائی ها می توانند مطمئن باشند که نازی ها نبودند که قدرت را به دست گرفتند.

نازی های اوکرائینی هیچ وجه مشترکی با راست های افراتی اروپای غربی ندارند که عموماً آشکارا صهیونیست هستند (به جز جبهه ملی فرانسه). آنها طی جنگ سرد در پشت جبهه ناتو مستقر شدند تا اقتصاد شوروی را تخریب کنند، و سپس توسط لهستان (۵) و لیتوانی پشتیبانی شدند. طی سه ماه تظاهرات، اسلامگرایان تاتار که در سوریه در حال انجام مراسم مذهبی یعنی در حال جهاد بودند به اوکراین آمدند و به آنها پیوستند (۶). تاتارها، ساکنان سنتی کریمه، به دلیل پشتیبانی شان از نازی ها طی جنگ دوم جهانی توسط ستالین پراکنده شدند، امروز عموماً در اوکراین و ترکیه زندگی می کنند. در میدان مایدان آنچه را که در سوریه آموخته بودند، به نمایش گذاشتند: چشم های پولیس ها را کور کردند و به همینگونه قطع عضو نیز جزء آموخته های آنها بود (۷).

انقلاب میدان مایدان کودتای خیلی کلاسیکی را استوار می کند (۸). در حضور «دبیلومات های» ایالات متحده، «رادا» کاخ جمهوری خلق اوکراین قانون اساسی را بدون رفراendum زیر پا گذاشت، و رئیس جمهور را بی هیچ بحثی و هیچ دادگاهی خلع کرد و قدرت قانونی و اجرایی را به رئیس قدیمی سرویس اطلاعاتی الکساندر تورچینکوف سپرد. دیکتاتور جدید آرسنی ایاتسنیکو را به عنوان نخست وزیر انتخاب کرد، یعنی معجزه ای که به خواست از پیش تعیین شده ویکتوریا نولاند صورت گرفت. نخست وزیر جدید کابینه اش را تشکیل داد و آن را در تظاهرات میدان مایدان معرفی کرد. اعضای کابینه از این پس تعدادشان بیشتر شده و نازی ها یک سوم آنها را تشکیل می دهند، و برخی از آنها هو شدند چون که یهودی بودند.

در کریمه جایی که اکثریت مردم روس هستند و نیروی دریائی روسیه نیز در آنجا مستقر شده، پارلمان منطقه ئی نیز «خیز انقلابی» برداشت، و دولت محلی (وفادار به کیف) را سرنگون کرد و دولت محلی طرفدار روسیه را برگزید. هم زمان، نیروهای نظامی با لباس نظامی، ولی بدون پرچم و نشان، ساختمان های رسمی و فرودگاه را تحت کنترل خود گرفتند و از دولت جدید کیف برای ارسال نیرو جلوگیری به عمل آوردند.

در کیف، کاخ جمهوری خلق اوکراین (رادا) به دخالت روسیه اعتراض کرد و رعایت احترام به قرارداد بوداپست را یادآور شد. سال ۱۹۹۴، ایالات متحده، بریتانیا و روسیه قراردادی در مورد خنثی سازی اوکراین به ازای چشم پوشی از سلاح اتمی به امضاء رساندند (۹). ولی برای مسکو، این قرارداد دیگر کاربردی ندارد زیرا واشینگتن و لندن از تاریخ «انقلاب نارنجی» به سال ۲۰۰۴ آن را نقض کرده اند (۱۰) و علاوه بر این خاصه از کودتای هفته گذشته.

حال چه روی خواهد داد؟ ۲۵ می، بروکسل انتخابات پارلمان اروپا را برگزار خواهد کرد، کیف انتخابات ریاست جمهوری، در حالی که کریمه نیز برای حق خود مختاری رفراendum برگزار خواهد کرد. وقتی کریمه به استقلال رسید،

همواره می تواند به روسیه ملحق شود یعنی به وضعیتی بازگردد که تا پیش از سال ۱۹۵۴ جاری بود. اتحادیه اروپا به سهم خود باید به امیدهایی که در چشم انداز ایجاد کرده بود پاسخ بگوید و نمی دانیم با کدام پول می خواهد بخشی از ۳۵ میلیارد بدهی اوکراین را بپردازد. نازی های میدان مایدان به زندگی مخفیانه خود بازخواهند گشت و خواهان سهم خود در دولت جدید هستند.

ولی با این وجود داستان تمام نشده است زیرا برای اوکراین مشکل بخش شرقی اوکراین باقی خواهد ماند (که بخشی از آن را مردم روسی و علاوه بر این صنایع دفاعی را تشکیل می دهد) و ترنسستریا (بیسارابیای قدیمی که مرکز پژوهشی برای موشکهای شوروی بود). این کشور کوچک، با ساکنان روسی، که روی هیچ نقشه جغرافیایی دیده نمی شود، زیرا دارای کرسی در سازمان ملل متحد نیست، در فروپاشی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی استقلال خود را به دست آورد و بخشی از مولداوی می باشد، و باید یادآوری کنیم که این کشور کوچک با رشادت تمام در جنگی که مولداوی بر آن تحمیل کرد، از طریق نیروی هوایی رومانی و مشاوران ناتو در سال ۱۹۹۲، مقاومت کرد (۱۱) و موفق شد که الگوی اجتماعی شوروی را حفظ کند و در عین حال برای گسترش نهادهای دموکراتیک اقدام نماید. امنیت این کشور توسط نیروی حافظ صلح روسیه تأمین می شود (۱۲). حداقل، بیست کیلومتر مربع از اوکراین می تواند به ترنسستریا بپیوندد تا دسترسی به دریا سیاه را ممکن سازد، ولی رابطه اوکراین با پل غربی خود قطع خواهد شد. در بهترین حالت پیوستن کریمه به ترنسستریا موجب خواهد شد که چند صد کیلومتر ساحلی از جمله اودسا در نظر گرفته شود.

نا آرامی ها در اوکراین ادامه خواهد یافت، ولی آنهایی که خریزه خورده اند باید پای لرزش نیز بنشینند - ایالات متحده و اتحادیه اروپا - باید متحمل نتایج آن باشند. علاوه بر وزنه مالی، چگونه متحدان نازی و جهاد طلب خود را مدیریت خواهند کرد؟ در حالی که نمایش قدرت و اشیانگتن به شکست انجامید (۱۳).

پی نوشت:

[1] « [Après la Yougoslavie, l'Ukraine ?](#) », par Thierry Meyssan, Réseau Voltaire, 5 février 2014.

(۱) پس از یوگوسلاوی، اوکراین؟ نوشته تی یری میسان. شبکه ولتر ۵ فبروری ۲۰۱۴

[2] « [Conversation entre l'assistante du secrétaire d'État et l'ambassadeur US en Ukraine](#) », Oriental Review, Réseau Voltaire, 7 février 2014.

[3] « [L'Ukraine brade son secteur énergétique aux Occidentaux](#) », par Ivan Lizan, Traduction Louis-Benoît Greffe, Однако, Réseau Voltaire, 2 mars 2013.

(۳) اوکراین بخش انرژی خود به بهای نازل به غربی ها می فروشد. نوشته ایوان لیزان. شبکه ولتر، ۲ مارچ ۲۰۱۳

[4] « [Fausses images en Ukraine](#) », Réseau Voltaire, 6 février 2014.

(۴) تصویر تحریف شده اوکراین، شبکه ولتر، ۶ فبروری ۲۰۱۴

[5] « [La Pologne, nouvelle tête de pont d'un plan de déstabilisation de l'Otan](#) », par Andrew Korybko, Traduction Gérard Jeannesson, Oriental Review, Réseau Voltaire, 26 février 2014.

(۵) «لهستان، سر پل نوین طرح بی ثبات سازی توسط ناتو» نوشته آندریوف کوریبکو. شبکه ولتر، ۲۶ فبروری ۲۰۱۴

[6] « [Des jihadistes assurent le service d'ordre des manifestations à Kiev](#) », Réseau Voltaire, 4 décembre 2013.

۶) جهاد طلبان مأموریت حفظ نظم تظاهرات در کیف را به عهده گرفتند. شبکه ولتر، ۴ دسمبر ۲۰۱۳

[7] « [Евроваривыкололиглаз и отрубилирукупленномубойцу](#) », YouTube, 21 février 2014.

(۷)

http://www.youtube.com/watch?v=RI0nUu_7jpc

[8] « [Coup d'État pro-US en Ukraine](#) », Réseau Voltaire, 23 février 2014.

(۸) «کودتای طرفدار ایالات متحده در اوکراین»، شبکه ولتر، ۲۳ فیروری ۲۰۱۴

[9] «[Memorandum on Security Assurances in connection with Ukraine's accession to the Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons](#)», Voltaire Network, 5 December 1994.

[10] « [Washington et Moscou se livrent bataille en Ukraine](#) », par Emilia Nazarenko et la rédaction, « [Ukraine : la rue contre le peuple](#) », Réseau Voltaire, 1er et 29 novembre 2004.

[11] « [En 1992, les États-Unis tentèrent d'écraser militairement la Transnistrie](#) », par Thierry Meyssan, Réseau Voltaire, 17 juillet 2007.

(۱۱) «سال ۱۹۹۲، ایالات متحده با مداخله نظامی می خواهد ترنسنیستریا را در هم بکوبد. نوشته تی پری میسان. شبکه ولتر، ۱۷ جولای ۲۰۰۷»

[12] « [Tiraspol, base avancée de l'armée russe ?](#) », par Arthur Lepic, Réseau Voltaire, 15 août 2007.

[13] « [Washington peut-il renverser trois gouvernements à la fois ?](#) », par Thierry Meyssan, Al-Watan (Syrie), Réseau Voltaire, 23 février 2014.

(۱۳) «آیا واشینگتن می تواند هم زمان سه دولت را سرنگون کند؟: نوشته تی پری میسان. شبکه ولتر ۲۳ فیروری ۲۰۱۴. منتشر شده در گاهنامه هنر و مبارزه

<http://g-honar-v-mobarze.blogfa.com/post/557>

و همینجا. در آرشیف حمید محوی قابل دسترسی می باشد

گاهنامه هنر و مبارزه

۱ مارچ ۲۰۱۴

«زیر چشمان ما»

۷۲ مین واقعه نگاری سیاست بین المللی